

از خدا خواهیم توفیق عمل

پس از انتشار اولین شماره «نامه بهارستان» بسیاری از دوستان، استادان و سروران ارجمند و گرانمایه، هر یک به طریقی دست‌اندرکاران مجله را قرین لطف و محبت و راهنمایی‌های سازنده خود ساختند. بدین وسیله از تمام آن بزرگواران سپاسگزاریم و چشم امید داریم تا همچون گذشته، با یاری‌های خود، ما را در انجام هر چه بهتر و بیشتر این خدمت فرهنگی، دستگیر باشند. از این میان، چهار نامه که به قلم چهار تن از استادان و آگاهان و علاقه‌مندان «بدین فن شریف» نوشته شده است، برگزیدیم که از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد. نخستین نامه، در توضیح و پاسخ به مقاله‌ای (مندرج در شماره اول)، دیگری در طرح پیشنهادی ارزشمند در حوزه کتابداری، و سومی در شکوه و شکایتی از دست خود و جامعه نسخه‌های خطی، و آخری نیز طرح شایسته «بایسته‌ها» است.

سخنی دیگر درباره نسخه‌سازی شاهنامه فردوسی

[...] استادی، پس از ده سال، از شاهنامه فردوسی محفوظ در کتابخانه فلورانس یادی تازه کرده‌اند. انگیزه این کار چیست، خدا داند!

من در گفتاری که در «یادگار نامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی» در مجله کلک به اهتمام دوست گرامی آقای علی دهباشی به تاریخ آبان ۱۳۶۹ نوشته‌ام و چاپ شده است، از ساختگی بودن نسخه فلورانس گفتگو کردم، و هم اینک نیز به «یمین مغلف» یا به گفتار فردوسی بزرگ «سخت سوگند» یاد می‌کنم آنچه گفته‌ام جز راست نبوده است؛ نسخه مخدوش است و تراشیدگی واژگان به چشم نامسلح نیز به دیده می‌آید و حتی دخترم، دکتر روشنگر، دانشجوی پزشکی در آن روزگار، گرفتار شگفتی شد.

از شگفتی‌هاست که استاد محترم حتی مقدمه شاهنامه شناس گرامی جناب آقای دکتر علی رواقی را بر چاپ افست دانشگاه تهران به مشارکت مرکز انتشارات نسخ خطی وابسته به بنیاد دائره المعارف اسلامی نخوانده‌اند و پیداست که گفتار استاد دکتر رواقی گویاتر از تصریح است. آنجا که به نادرستی‌های بی‌شمار بیت‌های شاهنامه فلورانس اشاره می‌کنند، و به تلویح، ناستواری نسخه را باز می‌نمایند.

استاد محترم از گفتارهایی که درباره شاهنامه فلورانس در طول زمان نگاشته شده است، ناآگاهند. به مثل از دو گفتاریکی دیگر از شاهنامه شناسان به نام آقای مهدی قریب که در بررسی و تحقیق توس مورخ ۱۳۶۹ گفتاری زیر عنوان «نسخه خطی شاهنامه فلورانس (مورخ ۶۱۴ هجری)» نگاشته‌اند و در بیش از ۳۰ صفحه به افزودنی‌های بیجا و نادرستی‌ها و دستخوردگی‌های طولی از نوع جرح ادبیات و افتادگی‌هایی که سبب شده مفهوم، ابتر و پادروماند، و مهم‌تر از همه، ۱. «فساد قافیه»، ۲. «اختلال وزن»، ۳. «تصحیف خوانی و تسامح در نقطه‌گذاری» و «لغات الحاقی» اشاره کرده‌اند؛ و همچنین گفتار ایشان را در نشریه فرهنگ از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ندیده‌اند.

اعجاب آور است که استاد محترم تنها سه چهار فقره از برتری های شاهنامه فلورانس را به عنوان نمونه ارائه داده اند و از سرفصل «گفتار اندر آن کی فردوسی این حکایت با نظم می کند اگر سخنی نامعقول باشد بر وی عیب نکنند کی حکایت برترین گونه بود» در برگ ۴ متن عکسی نمی بینند که به اصطلاح فردوسی می گوید:

... دگر بد کی ناچار بایست گفت	همان به کی دارم سخن در نهفت
از و هر چه اندر خورد با خرد	دگر باره رمز معنی برد
تو این نامور نامه از نیک و بد	چنان دان که تصدیقش آرد خرد
سخن هست بعضی که معقول نیست	ولیکن مبرظن که منقول نیست
اگر از پی خاص رفتی سخن	نبودی یکی حشوسر تابین
و گرسر بسر بودی از بهر عام	شدی قصه ناچیز و گفتار خام

(برگ ۴- نسخه چاپ افست دانشگاه)

و همانند این گونه بیت های سست و سخیف در ۱۸ نسخه مورد مراجعه و استناد بنیاد شاهنامه فردوسی تاسده ۸ هجری یک نمونه یافت نمی شود.

آقای دکتر رواقی در پیشگفتار خود نمونه های واژه های تازی متن فلورانس را با واژه های به کار رفته در نسخه چاپ مسکو بر شمرده اند. (صص نوزده - بیست و سه)؛ و به راستی این نمونه ها معیاری استوار بر تازگی نسخه فلورانس است.

نکته ای دیگر که پرسش انگیز است این است که استاد محترم که خود سالهاست بر سر نظامی کار کرده اند، و در حد خود شایسته ستایش است، با نسخه هایی که از نظامی در دست داشته اند، چگونه برخوردی داشته اند؟! با احترامی که به کار ایشان بر سر منظومه های نظامی دارم، این مایه گله را به جا می دانم که چگونه رنج تصفح و تفحص به خود نداده اند تا گفتارهای انگشت شماری را که درباره شاهنامه فلورانس نگاشته شده، و در نوع خود بسیار شایان بررسی و عنایت است ببینند، و بر چیزی که مشهود و معلوم است اصرار می ورزند؟!!

گفتار جناب مهدی قریب در تحقیق و بررسی توس از گفتارهای نابی است که من بازگفتن استدلال های استوار ایشان را روانی دانم که خواننده نکته یاب شاهنامه شناس نمی تواند به نا آگاهی از آن متعذر شود!

کاش ایشان، «مقدمه شاهنامه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی» را که به تازگی با پیشگفتاری عالمانه از استاد دکتر فتح الله مجتبیایی منتشر شده است می دیدند، و یا از دیگر شاهنامه شناسان بزرگ چون استاد دکتر دبیر سیاقی و... باز می پرسیدند که بیخ و بن ماجرا چیست؟ چیزی که من خود به چشم خویشتن به روز ۲۱ و ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۹ دیدم!

آیا ایشان از ماجرای جاعلان نسخه های خطی به نسبت بسیار، همه به اشراف استادی، با دریغ فراوان نام آور (!) که در همان ایتالیا در گذشت، بر ساخته و به بازارهای جهانی عرضه داشته اند و در دهه سی و چهل «کابوسنامه فرای»، رباعیات خیام چاپ شوروی، به دو صورت فاکسیمیل و حروفی، و دیوان قطران تبریزی به خط «انوری» و... و... را نشنیده اند و رساله دلپذیر و استدلالی استاد شادروان کم مانند مجتبی مینوی را «کابوسنامه فرای، تمرینی در فن تزویر شناسی به قلم مجتبی مینوی، استاد دانشگاه تهران - ایران - به اهتمام هاگپ صرافیان در چاپخانه پولیگراف افست واقع در استانبول چاپ شده، ماه نوامبر ۱۹۵۶ میلادی» - که برابر با سال ۱۳۳۵ خورشیدی است - ندیده اند؟!!

استاد محترم حتی به دیده انصاف نیز به ماجرا ننگریسته اند که یاد آور شوند هر چند نسخه، ممکن است مجعول باشد، ولی واجد نکات مثبتی است!

پناه بر خدا! نمی دانم چرا باید تعصب و دل بستگی ایشان در باب نسخه ای از شاهنامه فردوسی بزرگ بیش از کمترین بنده که به سال های بلند بر سر شاهنامه کوشش و اهتمام می ورزد باشد؟! پس سخن کوتاه باید. والسلام!

محمد روشن (تهران)